

# تفسیر سوره کافرون (جلسه سوم)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱) لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳) وَلَا أَنَا عَابِدٌ  
مَا عَبَدْتُمْ (۴) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵) لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

با عرض سلام و ادب خدمت همه عزیزان، دوستان، سروران و اساتید بزرگوار و عرض تبریک به مناسبت اعیاد شعبانیه خصوصاً نیمه شعبان که میلاد وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و بنده هم پیشاپیش سال نو را و عید نوروز را خدمت همه عزیزان عرض سلام و ادب تبریک عرض میکنم.

### بیان راهبرد کلی رسالت اسلام در این سوره

خُب ما مطالبی را درباره سوره کافرون عرض کردیم در واقع آیات این سوره را تفسیر کردیم و در این مرحله یک نکاتی هست. نکات کلی راجع به سوره کافرون هست. اولین نکته این است که سوره کافرون صرفاً پاسخ به یک پیشنهاد به صلح و سازش از طرف مشرکان قریش در یک مقطع خاصی نیست؛ بلکه این سوره هر چند شان نزولش پاسخ به آن درخواست و پیشنهاد مشرکان قریش است؛ اما این سوره در مقام بیان یک راهبرد کلی و یکی از مراحل سه گانه رسالت و دعوت به اسلام هست.

### سه مرحله دعوت به اسلام

ما در بررسی آیات قرآن کریم به این حقیقت می رسیم که دعوت اسلام سه مرحله بلکه سه مرتبه دارد.

مرحله و مرتبه نخست آن دعوت ایجابی است. که آیاتی مثل ایات اُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ نَاطِرَ بِهِ این مرتبه و مرحله هست. مرحله دعوت ایجابیه یعنی بیان معارف اسلامی و بیان معارف اعتقادی آموزه های اخلاقی و معانی و احکام عملی است.

مرحله دوم مرحله و مرتبه دعوت سلبی هست. در این مرتبه در واقع پیامبر بزرگوار اسلام و قرآن در صدد تبیین انحرافات و لغزش های فکری و اخلاقی و رفتاری مخالفین اسلام هستند و در واقع دیگر مکتبهای اجتماعی و دیگر مکتبهای فکری و سیاسی را قرآن کریم به چالش می کشاند، لغزش های آنها را و انحرافات آنها را بیان می کند همراه با تهدید کردن همراه با مذمت کردن، تهدید به عقوبت ها و عذاب های دنیوی و تهدید به عقوبت و

عذاب اخروی به همراه اعلام برائت و اعلام دشمنی میان جبهه اسلام و جبهه مقاومت. در واقع مرحله دوم، **مرحله حمله** است. مرحله حمله به باورها، حمله به فرهنگ ها، حمله به آداب و رسوم و سنن و فرهنگ در واقع سبک و روش زندگی دیگر مکاتب بشری و مکاتب دینی که دچار تحریف و انحراف شدند.

**مرحله سوم مرحله جهاد است.** **مرحله اقدام نظامی** است. در این مرحله در واقع هدف برچیده شدن کفر و نابودی کافران است. آیات متعددی مرحله و مرتبه اول را تبیین می کند؛ مثل آیه شریفه ای که عرض کردیم. آیات متعددی مرحله و مرتبه دوم را تبیین میکنند مثل ایاتی که در جلسه قبل خواندیم و خود سوره کافرون. در واقع سوره کافرون ناظر است به این مرحله و مرتبه سلبی و در واقع اعلام برائت و اعلام عدم سازش و صلح میان جبهه اسلام و جبهه کفر.

**مرحله سوم مرحله برچیدن کفر و کافران از روی زمین است که همراه با جهاد و مبارزه است البته این جور نیست که مرتبه اول را از آن گذر داشته باشیم.** مرتبه اول با مرتبه دوم هم همراه است. با مرتبه سوم هم همراه هست؛ یعنی در همین مرحله سوم که مرحله جهاد است، **مرحله اعدام** است، در این مرحله باز ما دعوت ایجابی داریم باز ما تبیین معارف دین و آموزه های دین را داریم؛ همچنان که در مرحله دوم که مرحله به چالش کشیدن مکاتب مخالف اسلام هست باز در **مرحله دوم مرحله اعلام برائت**، اعلام عدم سازش باز آن مرحله اول حضور دارد.

یعنی باز تبیین معارف دین را داریم هر چند سه مرحله هست؛ اما مرحله اول با مرتبه دوم و سوم همراه هست همچنانکه مرتبه دوم با مرتبه سوم همراه هست.

آیات متعددی هم مرحله سوم را بیان می کند. مثل **ایه ۳۳ سوره توبه: هو الَّذی اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰی و دِیْنِ الْحَقِّ لِيُظْهَرَ عَلٰی الدِّیْنِ كُلِّهٖ و لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ**: ای پیامبر ما تو را با هدایت و دین حق فرستادیم تا این دین حق را ظاهر کنیم و قالب کنیم بر همه ادیان. بر همه مکاتب بشری، بر همه فکرها، بر همه ایده ها، و لو کره المشرکون هر چند مشرکان آن را نمی خواهند.

نکته ای که در این آیه هست این است که اولا دین اسلام را متّصف کرد به دین حق بعد فرمود اسلام دین حق است و بر ادیان دیگر غلبه میکند؛ یعنی ما دین حقی غیر از دین اسلام نداریم، ما یک مرتبه اجتماعی مکتب سیاسی که حق باشد و در مقابل دین اسلام و مکتب اسلام باشد نداریم.

نکته بعد این است که این غلبه و سیطره اسلام بر ادیان را با صیغه مضارع ذکر کرده: لِيُظْهِرَهُ. مستحضر هستید که صیغه مضارع دلالت بر تداوم دارد، دلالت بر استمرار دارد، دلالت بر تدریج دارد؛ یعنی به طور مستمر این غلبه صورت می گیرد. این غلبه دین اسلام بر ادیان دیگر به طور تدریجی هست نه آنی.

اینجور نیست که دین اسلام همواره در اقلیت باشد، در مظلومیت باشد، درخفا باشد. به طور آنی در یک زمانی به طور اعجاز گونه دین اسلام ظهور پیدا کند و غلبه بر ادیان دیگر بکند و ادیان دیگر را از بین ببرد.

می فرماید این غلبه تدریجی است و چون تدریجی هست در واقع این رسالت مومنان و مسلمین است. هر جا اراده خداوند متعال به طور تدریجی در نظام انسانی بخواهد شکل بگیرد و محقق شود معنایش این است که این اراده تدریجی در واقع بر گرده و بر عهده مومنین و مسلمین است؛ یعنی شما باید در مسیر غلبه تدریجی دین اسلام بر ادیان دیگر قدم بردارید. شما باید مقدمه و ابزار غلبه تدریجی دین اسلام بر ادیان دیگر باشید.

آیه دیگر آیه ۷ سوره انفال است :

وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَهِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ

خداوند متعال اراده کرده است که حق را که همان دین اسلام هست، محقق کند، پایدار کند، فراگیر کند، سیطره بدهد به آن و يقطع دابر الكافرين و نسل کافران را از بین ببرد، نسل کافران را منقرض بکند. پس در مرحله سوم هدف و غایت این است نه کفری بر روی زمین باشد نه مکتب فکری و اجتماعی و سیاسی و دینی در مقابل مکتب و دین اسلام نباشد؛ نه کفری باشد و نه مشرکی باشد. همه کافران باید از روی زمین برداشته شوند.

البته مراد از کافران همانی است که در جلسه قبل عرض کردیم که قرآن کریم بر هر مخالف اسلامی اطلاق کافر نکرده، کافر از نظر اسلام یک ویژگی هایی دارد که در جلسه قبل عرض کردیم.

باز مستحضر هستید که در این آیه باز مسئله احقاق دین اسلام، اثبات و تثبیت با صیغه مضارع آمده و از بین رفتن و منقرض شدن کافران، برچیده شدن کافران از روی زمین باز به صورت صیغه مضارع آمده است. يَقْطَعُ یعنی این انقراض کفر و کافران به طور تدریجی صورت میگیرد.

مهمترین و صریح ترین آیه، آیه ۱۲۳ سوره توبه هست آن هم با قرائتی که مرحوم علامه طباطبایی دارند از این آیه.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

ای کسانی که ایمان آورده اید مبارزه کنید، مقاتله کنید با کافرانی که در اطراف شما هستند و این کافرانی که در اطراف شما هستند باید در شما غلظت ببینند، شدت ببینند، صلابت ببینند، عزت اجتماعی ببینند و در واقع نوعی خشونت ببینند در شما.

مفسران اهل سنت و برخی از از مفسران شیعه تفاسیری از این آیه ارائه کرده اند که مثلاً مربوط هست به زمان وجود مقدس پیامبر بزرگوار اسلام یا مربوط است به جایی که دشمنان حمله می کنند و مسلمین باید دفاع کنند. مرحوم علامه طباطبایی میفرماید نه این از آیات اجتماعی قرآن است. و مخاطب این آیه همه مومنان اند تا روز قیامت. همه مسلمانها هستند تا روز قیامت. یعنی این آیه نه تقیید زمانی خورده نه مقید شده به زمان خاصی نه مقید شده به اغراض خاصی و نه مقید شده به دفاع.

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید که این آیه حکم عمومی جهاد است در سرتاسر زمین و قرآن کریم می خواهد بفرماید در هر مقطعی و در هر زمانی که مومنان و مسلمان ها قدرت دارند، اقتدار دارند که در جهت برچیده شدن کفر و کافران اقدام کنند. این آیه می فرماید باید انجام دهند قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ نه اختصاص دارد به عصر وجود مقدس پیامبر اکرم و نه اختصاص دارد به عصری که امام معصوم و امام حی حاضر است؛ بلکه در همه اعصار این آیه حکم را مشخص کرده و تکلیف مسلمان ها را مشخص کرده که باید شما در این مسیر قدم بردارید. در این جهت قدم بردارید و هر جا که توانائیش را دارید و هر جا که قدرتش را دارید باید در شما چنین صلابتی و چنین اقتضایی و چنین خشونتی را ببینند.

## سوره کافرون ناظر به مرحله دوم دعوت اسلام

باید این سه مرتبه و سه مرحله ای که برای دعوت اسلام و رسالت پیامبر بزرگ اسلام قرآن تبیین میکند سوره کافرون ناظر است به مرحله دوم یعنی ناظر است به آنجایی که قرآن کریم دارد اعلان برائت میکند، اعلام عدم سازش میکند میان جبهه اسلام و جبهه کفر. عدم سازش، عدم صلح، هم در به اصطلاح در امور فرهنگی، هم در امور دینی هم در سبک زندگی، هم در آداب و رسوم اجتماعی.

و باز قرآن کریم در آیات متعددی میفرماید که این مرتبه دوم یعنی اعلام برائت، عدم سازش و عدم صلح، مقدمه مرحله سوم است این هم نکته ای است که در آیات متعددی مثل آیات ده و یازده سوره مزمل یا آیه ۱۰۹ سوره بقره بیان کرده است.

وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْرُجْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (مزمل ۱۰): ای پیامبر فعلا از این ها رویگردان باش، فعلا به اعلام برائت اکتفا نکن، وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا : و مرا با تکذیب کنندگان توانگر و نازپرورده واگذار و آنان را اندکی مهلت ده،

الان مرحله سوم نیست، الان مرحله جنگ و اقدام نظامی و اینها نیست، صرفا اعلام برائت کفار است. از آنان دوری کن با اعلام برائت و دشمنی.

همه این نکته را باز در آیه ۱۰۹ سوره بقره داریم.

## عدم اختصاص این راهبرد به دین اسلام

نکته دیگر این هست که این راهبردی که قرآن کریم در سوره کافرون بیان می کند در حوزه ارتباط مسلمین با غیر مسلمین، با جبهه کفر و کافران، اختصاص به دین اسلام ندارد. این یکی از راهبردهای کلان خداوند متعال است برای همه انبیا و به همین خاطر قرآن کریم در سوره ممتحنه میفرماید همونی که بر شما واجب شده بر حضرت ابراهیم هم واجب بود بر قوم حضرت ابراهیم واجب بود و ما ابراهیم و قوم ابراهیم را الگو برای شما قرار دادیم.

به این آیه توجه کنید: **قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ**

قد کانت لكم أسوه حسنه : ما برای شما أسوه نیکو قرار دادیم. ای مومنان، ای مسلمانها، أسوه شما چه کسی است؟ فی ابراهیم و الذین معه : أسوه شما ابراهیم است و آنهایی که پیرو ابراهیم بودند. خُب حضرت ابراهیم و پیروان ابراهیم اسوه مطلق اند. الگوی مطلق اند. یعنی در باورها، در اخلاق، در قوانین عملی یا در یک امر خاصی اسوه ما هستند؟

قرآن می فرماید نخیر در یک امر خاصی. اینها اسوه مطلق نیستند، أسوه مطلق پیامبر بزرگوار اسلام است. ابراهیم علیه السلام أسوه است در یک موضوع خاص. در چه موضوعی؟ در موضوع چگونگی ارتباط با کافران. **إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ**. ابراهیم علیه السلام و پیروان ابراهیم الگوی شما هستند آن زمانی که با زبان رسا و صریح و قاطع اعلام برائت کردن از قومشان به آنها گفتند ما بری هستیم از شما و مما تعبُدون من دون الله ما هم از شما برائت می جوئیم. هم از افکارتان، هم از پرستش تان، هم از باورهای دینی تان، ما برائت می جوئیم، کفرنا بکم، هم برائت می جوئیم از باورهایتان و عبادت و پرستش هایتان و هم به شما کفر می ورزیم.

مراد از کفرنا بکم همانطور مرحوم علامه طباطبایی فرمودند کفر به عمل شما، کفر به سیره زندگی شما، کفر به آداب و رسوم و قوانین اجتماعی شما، ما به اعمال شما کفر می ورزیم، به روش زندگی شما کفر می ورزیم.

**وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ**. آن زمانی که به قومشان هر چند که قومشان سیطره داشتند، قدرت داشتند، اقتدار داشتند، و حضرت ابراهیم به لحاظ اجتماعی به لحاظ سیاسی، به لحاظ قدرت، در ضعف مطلق بود. اما با قاطعیت و با صلابت گفت بین ما که جبهه حق هستیم و شما که جبهه باطل هستید، عداوت و بغض خواهد بود. دشمنی و بغض خواهد بود ابدًا تا روز قیامت. مگر اینکه تومنوا بالله وحده مگر اینکه شما ایمان بیاورید. شما بیاید تابع این سنت الهی شوید. تابع روش زندگی ای شوید که خداوند اراده کرده است. تا زمانی که شما دست از کفرتان برندارید بین ما و شما یک دشمنی است. یک عداوت است و ما هم

به شما کفر می‌ورزیم. به رفتارتان و سنتهای اجتماعی‌تان، هم افکارتان را برائت می‌جوئیم و پرستش هایتان را. ملاحظه می‌فرمایید که **مُفاد این آیه ۴ سوره ممتحنه در واقع مُفاد سوره کافرون هست**. عرض شد در تفسیر سوره کافرون، **سوره کافرون دو بخش دارد**. در دو جهت اعلام عدم سازش است، اعلام برائت مطلق است؛ یکی از حیث پرستش و باورها یا **لا اعبد ما تعبدون**. یکی از حیث سنت‌های عملی و قوانین عملی که **لکم دینکم ولی دین**. من از دین شما برائت می‌جوئیم و دین من اختصاص به خودم دارد و هیچ سازشی بین دین من و شما نیست؛ یعنی بین سنت‌ها و روش زندگی من و سنت و روش زندگی شما نیست. مستحضرید در آیه ۴ ممتحنه همین‌جور هست و دو بخش است؛ در یک بخش می‌فرماید از آنچه که می‌پرستید ما برائت می‌جوئیم **لا اعبد ما تعبدون** و در مرتبه بعد می‌فرماید که از آن رفتارتان، سنت‌هایتان، آداب و رسوم هایتان هم ما کفر می‌ورزیم، **کفرنا بکم**، علاوه بر اینکه بین ما و شما هم دشمنی و بغض خواهد بود.

قرآن هم می‌فرماید که ابراهیم را و پیروان ابراهیم را اسوه خود قرار بدهید، الگوی خودتان قرار دهید در چگونگی تعامل با جبهه کفر، با جبهه استکبار. این هم این نکته بود که به نظرم لازم آمد درباره سوره کافرون این نکات مدّ نظر قرار بگیرد. انشاءالله با قرائت سوره کوثر وارد تفسیر سوره کوثر بشویم در خدمتتون هستیم.